

در فضای مجازی» را به مجلس تقدیم کرد. اما پیش از آنکه این لایحه جنجالی را به مجلس ارسال کند، بررسی موضوع «فیک‌نیوزها» و مقابله با «فیک‌نیوزها» را در رسانه‌های بسیاری کلید زد. پس از آن که دولت لایحه «مقابله با اخبار خلاف واقع در فضای مجازی» را در ۳۰ تیر ۱۴۰۴ به مجلس تقدیم کرد، بسیاری بر این عقیده بودند که این لایحه مقابله با همان فیک‌نیوزها است. اما ماده‌هایی که در این لایحه گنجانده شده بود، بیش از آنکه مقابله با دروغ‌پردازان باشد، رسانه‌های داخلی را بیش از پیش به سوی مسلخ سانسور و خفقان سوق داده و در حالی که رسانه‌ها با خطوط قرمز مرئی و نامرئی بسیاری دست به گریبان بودند آنها را به اضمحلال می‌کشاند. مجلس به محض وصول، این لایحه را در تاریخ ۵ مرداد ۱۴۰۴ (یعنی ۶ روز پس از ارسال دولت) در صحن مطرح کرد و دو فوریت آن با ۲۰۵ رأی موافق از مجموع ۲۵۷ نماینده حاضر به تصویب رسید. اما واکنش‌های جامعه به‌ویژه حقوق‌دانان به این لایحه باعث شد که دولت تصمیم جدیدی بگیرد. سیدمهدی طباطبایی معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور اعلام کرد که «پزشکیان نسبت به این لایحه اعتراض داشته است.» و این شائبه به وجود آمد که رئیس‌جمهور بدون آن که این لایحه را مطالعه کند آن را به مجلس تقدیم کرده است. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در نظر کارشناسی خود نسبت به مواد ۱۲ تا ۲۲ این لایحه انتقاداتی وارد و اعلام و تأکید کرد: «قوانین موجود همچون ماده ۶۹۸ و ۲۴۶ قانون مجازات اسلامی، ظرفیت‌های کافی برای مقابله با نشر اکاذیب را فراهم کرده‌اند و نیازی به جرم‌انگاری مجدد نیست.» علاوه بر این مرکز پژوهش‌های مجلس هشدار داد: «مواد کفری جدید ممکن است منجر به تورم قوانین جزایی و تشتت در روند صدور احکام شود و رویکردهای تنظیم‌گرانه، مانند شفاف‌سازی الگوریتم‌های نمایش محتوا، مسئولیت‌پذیری مدیران سکوها، ایجاد سازوکارهای مردمی گزارش‌دهی و نظارت مستقل، بسیار مؤثرتر از بر خور دگر کفری در کنترل اطلاعات نادرست در فضای مجازی خواهد بود.» با وجود واکنش‌ها گسترده و تندفعالان اجتماعی، حقوقی، رسانه‌ای، مردم عادی و... و ایرادات اعلام شده، این لایحه با پس گرفتن آن از سوی دولت، هم سرنوشت و عاقبتی همچون طرح «صیانت از کاربران فضای مجازی» پیدا کرد.

شمشیر رسانه ملی و ارشاد بالای سر رسانه‌ها

پس از دو شکست گذشته باز هم نمایندگان طرح «قانون حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» را در ۷ فصل و ۱۵ ماده (۱۷ تبصره) در دستور کار خود قرار داده‌اند و در تاریخ ۱۸ آبان ۱۴۰۴ اعلام وصول شد. طبق این طرح، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما در جایگاه «تنظیم‌گر» تکیه می‌زنند. یعنی پس از ابلاغ آن؛ هرگونه تولید، تبلیغ یا انتشار محتوا در حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی و شبکه نمایش خانگی، باید از هزارتوی اخذ مجوز از این دو نهاد بگذرد. جالب آن که در این میان، نام «ساترا» به کلی قلم گرفته شده و صداوسیما بی هیچ ابهامی به‌عنوان تنظیم‌گر نهایی معرفی شده است. در این طرح مشوق‌ها و مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است. مشوق‌هایی از این دست که: «اگر رسانه‌ای شاخص‌ها را درست و کامل رعایت کند، ممکن است از نعمت تعرفه فرهنگی در آب و برق و گاز بهره‌مند شود، معافیت مالیاتی بگیرد و حتی به تسهیلات صندوق نوآوری و شکوفایی هم دسترسی پیدا کند. این تشویق‌های اقتصادی جهت هدایت محتوایی آنقدر زیاد نیست که انگیزه‌ای رسانه‌ای را برای به دست آوردنش محدود کند. ضمن آن که رسانه‌ها (به شرط آنکه اظهارنامه را آخر تیرماه به سازمان مالیاتی ارسال کرده باشند،) معاف از مالیات هستند.»

همانطور که اشاره شد این طرح فقط به تشویق ختم نشده و در صورت تصویب رسانه‌ها و پلتفرم‌ها با سخت‌ترین مجازات‌ها روبه‌رو خواهند شد. طرح «قانون حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» از انتشار بخش‌های ممیزی‌شده محتوا تا ارائه ندادن داده‌های مالی و فنی به تنظیم‌گر، یا پخش زنده بدون مجوز را خطا دانسته و تنظیم‌گر با تشخیص این خطاهای می‌تواند به راحتی رسانه را یک

هفته تا سه ماه از انتشار محروم کند. البته این تنها مجازات نیست بلکه ممنوعیت انتشار محتوای جدید، محدودیت دسترسی و خدمات، جریمه نقدی معادل یک تا پنج درصد از کل درآمد ناخالص سالیانه و حتی ابطال کامل مجوز را در نظر گرفته است. بحران جایی است که از ۱۴ مورد عنوان تخلف ۱۰ مورد غیرقابل تجدیدنظرخواهی هستند. مگر آنکه در دیوان عدالت اداری مطرح شود. یعنی رسانه‌ها به جای حضور در دادگاه و داسراهای تخصصی مطبوعات باید به دیوان عدالت مراجعه کنند. در این میان، تنظیم‌گر یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما این اختیار را دارند که پیش از رسیدگی رسمی، دستور توقف انتشار یا حذف محتوا را تا ۴۸ ساعت صادر کنند. در حقیقت فرصتی طلایی برای محدودتر کردن رسانه که پیش از آن از خود دفاع کند.

نکته حائز اهمیت این است که تنها رسانه‌ها زیر تیغ این طرح قرار ندارند، بلکه پلتفرم‌ها نیز با معضلات طرح «قانون حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» روبه‌رو خواهند شد و با یک خطا مشکلات مالی عجیب و غریبی گریبان آنها را می‌گیرد. به‌عنوان مثال بند ۱۱ ماده ۱۰ این طرح تأکید می‌کند: «اگر پلتفرمی از طریق ارتکاب یک تخلف، مثلاً پخش یک سریال بدون مجوز یا اکران محتوایی که بعداً متخلف شناخته شود، منفعتی کسب کرده باشد باید تمام آن وجه و انتفاع را پس بدهد. اما ما چرا به اینجا ختم نمی‌شود: متخلف علاوه بر آن، به پرداخت جریمه‌ای معادل ۲ تا ۱۰ برابر آن منفعت نیز محکوم می‌شود.»

«قانون حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» بیش از آنکه به مدیریت یا ساماندهی حوزه تصویر و صوت بیانجامد، به انحصاری شدن این حوزه در دست صداوسیما و خفقان بیشتر در جامعه منجر می‌شود و نتیجه چنین وضعیتی را خودسانسوری، کاهش کیفیت محتوا و فرار تدریجی مخاطب به فضاهای غیررسمی و کنترل‌ناپذیرتر می‌دانند که با ایجاد تنش عاقبت محکوم به شکست است. کامبیز نوروزی، حقوق‌دان درباره بندهای مختلف این طرح گفته است: «طرح تازه نمایندگان مجلس تحت عنوان «حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» تلاش تازه نمایندگان برای سیطره‌بر فضای مجازی است که در آن با عباراتی غیر مستقیم و پنهان تمهید تازه‌ای برای بستن فضای مجازی تدارک دیده شده است. آنگونه که از تفسیر مفاد این طرح فهم می‌شود کاربران رسانه‌های اجتماعی کاربر مجوز مانند اینستاگرام، یوتیوب، فیس‌بوک و حتی بخش‌های زیادی از تلگرام برای آنکه بتوانند در این پلتفرم‌ها فعالیت کنند باید از سازمان صداوسیما مجوز بگیرند؛ شرکت‌هایی هم که این رسانه‌های اجتماعی را اداره می‌کنند باید از ایران مجوز فعالیت بگیرند. سالیات‌هایی مانند دیوار، آپارات و امثال اینها برای آنکه کاربرها بتوانند در آنها محتوایی را بارگذاری کنند باید هویت کاربر را به‌طور کامل احراز کنند. هویت‌های بدوی و عالی رسیدگی به تخلفات هم تماماً از طرف رئیس صداوسیما منصوب می‌شوند.» تجربه‌های ناکام پیشین (مانند مقابله با ماهواره، فیلترینگ اینترنت و...) حاکی از آن است که با نتگ‌تر شدن دایره محدودیت‌ها تنها شکاف بین حاکمیت و جامعه بیشتر می‌شود. در شرایطی که کشور بیش از هر زمان دیگری به گفت‌وگو، شفافیت و جلب اعتماد عمومی نیاز دارد، اصرار بر طرح‌هایی از جنس «صیانت» به تنش و بحران دامن می‌زند.

یک نگاه اجمالی به ماده‌ها و تبصره‌های طرح «قانون حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» کافی است تا مشخص شود که این قانون تنها یک مسیر و هدف مشخص دارد: «بستن راه تفاوت».

برای رسیدن به زوایای روشن‌تر از این طرح هم‌میهن با چند نماینده‌ای که «قانون حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» را امضا کرده‌اند، تماس گرفت که برخی از آنها حاضر نشدند در این باره صحبت کنند آن‌هم به بهانه اینکه حضور ذهن ندارند. در حالی که این طرح ۱۸ آبان اعلام وصول شده و عمر آن به حضور ذهن نداشتن نمی‌کشد.

نماینده موافق

سالار مرادی نماینده سennدج، دیواندره و کامیاران نباید برای يك سازمان انحصار ایجاد کرد

یکی از امضاکنندگان طرح «قانون حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» سالار مرادی، نماینده سennدج، دیواندره و کامیاران و عضو کمیسیون اجتماعی است. او درباره علت امضای این طرح و لزوم مطرح شدن آن درحالی که طرح «صیانت از کاربران فضای مجازی» مسکوت مانده و به نتیجه نرسیده با هم‌میهن به گفت‌وگو پرداخت که در زیر می‌خوانید:

«با توجه به اینکه هنوز طرح «صیانت از کاربران فضای مجازی» به نتیجه نرسیده، به نظر شما الزام و لزوم مطرح شدن این طرح به مجلس چیست؟

قانونگذاری و الزامات آن به دلیل روابط و اتفاقات جدید و کسب‌کارهای نوظهوری است که امکان دارد در جامعه ایجاد شود. در گذشته، شاید بحث فضای مجازی در اولویت قرار نداشت، اما در حال حاضر با توجه به گستردگی و دامنه کمی و کیفی استفاده از فضای مجازی، ساماندهی آن الزامی است. از سوی دیگر، صیانت از حریم خصوصی کاربران هم بخشی از این طرح ساماندهی محسوب می‌شود. چراکه هدف از ساماندهی، تنظیم روابط کاربران در فضای مجازی، افراد فعال در این فضا یا افرادی که تولید محتوا می‌کنند. این دو طرح، فاصله زیادی با هم ندارند، اما می‌توان تقدم و تأخری را به عنوان یکی از ملاحظات در نظر گرفت. در حال حاضر، آنچه در سامانه طرح دیده‌ام، «قانون حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» است. به اعتقاد من باید به جای رسیدگی از ساماندهی باید استفاده شود. این طرح در مرحله ثبت پیشنهادات است و در آینده‌ای نزدیک در دستور کار صحن مجلس قرار می‌گیرد.

«در صورت تصویب و ابلاغ این طرح (به عنوان قانون) به محدودیت بیشتر رسانه‌ها و انتقال مرجع خبری به خارج از ایران منجر نمی‌شود؟

قصد من از اینکه این طرح را امضا کردم ساماندهی این فضا است نه محدود کردن رسانه‌ها. حداقل من دنبال محدود کردن نیستم. معتقدم زمانی که فردی زحمت تولید محتوای متناسب با نیاز جامعه را می‌کشد، باید مشوقی برای آن وجود داشته باشد. اگر محتوایی خلاف ارزش‌ها، نیازها یا مصالح جامعه یا علیه برخی افراد و بدون توجه به واقعیت‌ها و حقیقت‌ها تولید شود، باید مکانیزمی برای رسیدگی به آن وجود داشته باشد. طرح در مرحله ابتدایی قرار دارد و ممکن است در صحن، در جریان بحث و بررسی نمایندگان تغییراتی در آن ایجاد شود که تلاش می‌کنیم این تغییرات متناسب با نیاز جامعه و الزامات عمومی باشد.

«وزارت فرهنگ و ارشاد و سازمان صداوسیما در این طرح به عنوان تنظیم‌گر و مرجع صدور مجوز در نظر گرفته شده است. آیا این اقدام مجلس به انحصار بیشتر رسانه ملی نمی‌انجامد؟

هدف ما در قانونگذاری جلوگیری از ایجاد انحصار است و قطعاً نباید اجازه دهیم که انحصارطلبی ایجاد شود. اما وقتی نماینده یک طرح را امضا می‌کند که ماده‌ها و تبصره‌های بسیاری دارد به معنای موافقت با همه ماده‌ها و تبصره‌های آن نیست و ممکن است صرفاً با کلیت آن موافق باشد. برای مرتفع کردن نگرانی فعالان این حوزه ما آماده‌ایم پیشنهادات و ملاحظات آنها را دریافت کنیم تا زمان بررسی این طرح در صحن این پیشنهادات هم مطرح شود و در صورت لزوم اصلاحاتی انجام شود.

«سازمان صداوسیما به جایی پاسخگو نیست اما وزارت فرهنگ و ارشاد مجبور است به مجلس پاسخگو باشد. چرا در طرح «قانون حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» رسانه ملی را همر استتای وزارت فرهنگ و ارشاد قرار داده‌اید؟

این جمله شما جهت‌دار است که آن را به من تحمیل می‌کنید. من نه می‌توانم این موضوع را تأیید کنم و نه تکذیب.

دادند که مردم متوجه نشوند چه موضوعاتی مطرح شده است. اما اگر قانون در صحن بررسی شود نمایندگان خوش فکر زیادی داریم.

«اگر این طرح با همین شکل کنونی مصوب شود، رسانه‌ها می‌توانند به راحتی کار کنند یا محدودیت‌ها آنها را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند؟

احتمال دارد که جایگاه‌ها تغییر کند و بخشی از موضوعات به خارج از کشور منتقل شود که حیف است. اگر اجازه می‌دادند که چند رسانه مانند صداوسیما در کشور فعالیت کنند و با فعال شدن آنها مخالفت نمی‌شد، خیلی از ایرانیان نیازی نداشتند که با رسانه‌های فارسی‌زبان آشنا شوند. اما اگر این محدودیت‌ها ایجاد شود و رسانه‌ها به سمت تعریف از مسئولان بروند و مشکلات را عنوان نکنند، مردم به سمت رسانه‌های خارج از ایران سوق پیدا می‌کنند. رسانه نباید محدود، مجیزگو و حتی منتقد صرف باشد. باید اقدامات مثبت و منفی را با هم منتشر کند. طبیعی است این طرح‌ها به رسانه‌های مستقل آسیب بیشتری می‌زند. چون رسانه‌ای که در جایگاه روابط عمومی قرار می‌گیرد و نقدی نمی‌کند، سالم می‌ماند. مانند نمایندگان جبهه پایداری در مجلس که با مشکلی روبه‌رو نمی‌شوند اما نمایندگانی که موضوعات و مشکلات جامعه را بیان می‌کنند با مشکل روبه‌رو می‌شوند. چرا جمهوری اسلامی گرفتار غرب و آمریکا و اسرائیل شده است؟ یک بخش آن به دلیل اقدامات جمهوری اسلامی است و بخش بیشتر آن به دلیل آن است که دنبال استقلال است؛ استقلال هزینه دارد.

مقامات / ۲



با تضعیف دستگاه قضایی هیچ کس در امنیت نخواهد بود

سیداحمد مرتضوی‌مقدم، مشاور عالی رئیس قوه قضائیه در جلسه شورای عالی قضایی گفت: «در شرایط فعلی کشور که گرگ‌ها در پشت مرزها، چنگال‌ها و دندان‌هایشان را نشان می‌دهند و لاشخورها مترصد به دست آوردن فرصت هستند، شاهدیم که برخی افراد، سخنانی را بدون تدبیر، در تضعیف قوه قضائیه بر زبان می‌رانند؛ این افراد توجه ندارند که چنانچه دستگاه قضایی کشور تضعیف و تخریب شود دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و هیچ‌کس در امنیت نخواهد بود.» وی اضافه کرد: «کسانی که امروز قوه قضائیه را مورد حمله قرار می‌دهند از سه حالت خارج نیستند: حالت اول آن است که این افراد خُسن نیت دارند و دلشان برای کشور می‌سوزد که در این شرایط باید بداندند راه دلسوزی برای کشور، هجمه به قوه قضائیه نیست؛ حالت دوم آن است که افراد مزبور به نحوی از سوی دستگاه قضایی متضرر شده‌اند و به نحوی درصدد تلافی کردن هستند؛ حالت سوم نیز آن است که این افراد برای تخریب نظام، با دشمنان همراهی می‌کنند.» مرتضوی‌مقدم ضمن «تأکید بر ضرورت عدم مسامحه با تخریب‌کنندگان قوه قضائیه و همچنین تخریب مسئولین خدوم کشور از جمله شهید رئیسی» گفت: «قوه قضائیه باید با اقتدار بماند؛ همگان باید بدانند که نتیجه تخریب قوه قضائیه، متضرر شدن همگان است؛ تخریب‌کنندگان قوه قضائیه باید بدانند که این دستگاه، یک فرد نیست بلکه یک رکن نظام است.»

نحوه شکایت دولت از رسانه‌ها اصلاح شد

هیئت وزیران در جلسه ۱۲ آذر ۱۴۰۴ به پیشنهاد شورای اطلاع‌رسانی دولت به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تبصره (۴) ماده (۵) آیین‌نامه چگونگی تعیین و حدود وظایف سخنگوی هیئت دولت و تشکیل شورای اطلاع‌رسانی دولت را به شرح زیر اصلاح کرد که با امضای محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهوری ابلاغ شد. در این تبصره آمده است: «دبیرخانه شوراها ی یادشده طرف حداکثر پنج روز کاری، موضوع را در کارگروهی متشکل از دبیر شورای مربوط (رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در سطح ستاد و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی در سطح ستاد و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی در سطح استان) و نماینده دستگاه اجرایی شاک ی و حسب مورد در مرکز، با عضویت معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور و در استان با عضویت معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار، مدیرکل دفتر مدیریت عملکرد، بازرسی و امور حقوقی استانداری مربوط و یکی از اشخاص حقیقی شورا به انتخاب شورای اطلاع‌رسانی استان، مطرح و نسبت به طرح شکایت یا عدم طرح آن و در صورت لزوم، پیش‌بینی تدابیر لازم، تصمیم‌گیری می‌نماید که برای دستگاه اجرایی لازم‌الاجرا است. مواردی که به تشخیص کارگروه استان، ماهیت ملی داشته باشد یا به جمع‌بندی روشن نرسد، برای طرح در کارگروه مرکز به دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت ارسال می‌شود. در هر یک از مراحل یادشده، چنانچه دادستان شروع به تعقیب رسانه نموده باشد و همچنین در مواردی که موضوع از طریق «درج مطلب عذرخواهی»، «اصلاح عملکرد»، «تعهد به عدم تکرار» و یا سایر موارد مشابه، قابل حل‌وفصل باشد، به همان ترتیب عمل خواهد شد و شکایت دستگاه اجرایی از رسانه منتفی است. شکایت از سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران نیز تابع قانون اساسنامه سازمان یادشده مصوب ۱۳۶۲ با اصلاحات بعدی است.» براساس آنچه که در این تبصره آمده است، در واقع می‌توان آن را سازوکاری اداری برای مدیریت و کنترل شکایت دستگاه‌های اجرایی از رسانه‌ها به پیش از ورود به مسیر قضایی در نظر گرفت که اختیار تصمیم‌گیری را به کارگروهی با یک ترکیب غالباً دولتی می‌سپارد. این تبصره تلاش کرده است که مواجهه دولت با رسانه‌های منتقد را کم‌هزینه‌تر کند، هرچند که نحوه شکایت از سازمان صداوسیما جدای از این تبصره و براساس آنچه که در قانون اساسنامه این سازمان در سال ۱۳۶۲ است.